

درود فراوان بر تو که حاصل عمر تجرید و پایداری است با در کوه تا ترین جدوت استیجش

به من هدیه می کنی . خودم هم ندانم چرا تو را در شعراندها غریب و خوانده ام حال آنکه

نه تو زیر بار این کله نفسی خمیده ای و نه من اصولاً دوست دارم هستی از غریب و غم آن

بگویم . ما فرزندان زمینیم عزیزم . ما در میان انسانها غریب نیستیم . منتها گویا این دانه ها

از فرط تکرار به سخن ما در لایحه ما بدل شده اند . در آن نامه من قصد خود ستایی نداشتم ام .

اصلاً خود ستایی را نوعی مرض می دانم . آنگاه که نفسی تقاضای آن می یابد و با هم دوست ندارم پس

موجب برقیست خود ستی نظری دارد . من فقط خواسته بودم نظر خودم را گفته باشم - که البته هستی

نخاسته اند در دست هم باشم . در روز پیش خانم و جبهه تلفنی زدند و گفتند دوستیم برادر بودی

ببین از هر چیز صد اشکاف این دوستی که من از سالیان سال زندگی بروم نریزی

دلت بر این بیانی ها و کوشش می گوید و آرزوی نیکی ها را برای اینها دارد و منم کردی

والله غریز من هستی از تشویق های تو که بی شائبه اند و همراه با انتقادات تو

گفتند آمد خسته ام . اگر همه شان را می شناسی دوم سرنیایی ما با شانراک من لذت خود

چنین بر خود را امید استند . من به شکر جوان ما غنی و غنی تر می بینم . نوشته بودی که تو را در

نقد کتاب برکت با شکر و ستایش خواندم و لذت بردم . با کمال نظر است مواظب و منم

که تو هنوز حرف ها و نکته ها بیشتر را برایت ننویسم. تا صفای کتاب این دوست، جز در یکی

دو مورد خیلی بد دل من نزد. نه حرف ها تازه بدونند نه کلام و فرم. در بیشتر موارد، واژه های

به ارتباط برگرداندی شده و در جداولی که قرار گرفته اند با آنکه مفهوم وحشی را منتقل کند.

اما طبع کردن این حرف ها، جز آنکه همین حد اعلی درستی ها را هم تیره کند چه سود دارد؟

خوب بختانه در فروردین وارد بهشت اسال، البته نظر تازه امین از احت و چنین من سر

نوشتم. زستان سال پیش، در نظر سردی شکر کم بار بودم. این روزها مشغول بر گزار شیعی

شرفتم. گاه به آلمانی و گاه به فارسی. ترجمه کارها را همین که اراده می کنم. برض از ترجمه شرفتم

اینجا در شهرهای آلمانی منتشر شوند. راستی با شنیده آمارت چه کردی؟ مال من هنوز

سراجام معنی نیافته است. مدتی است از ناشری خبرم. پیش تو من قرار دارم و آنکه برام

فرستاد نپسندیدم. تصحیح کردم و برایش فرستادم. شما تا من بدقتش نرسید یا به فراقش

خوش نیامد. و دیگر درود دوباره بر تو و سلام بر دوستان شترکان. ربه به

و علاقه نامه سعادت را ما خاند و برایت سلام دارد

سبز باشی. دوست کوچکی مانی

خرداد ۱۳۷۱